

## معرفی و متن شناسی نسخه منحصر به فرد دیوان خواجه شاعر و عارف های دهم و یازدهم

احترام رضایی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۹، صص ۲۲۸-۲۰۳  
DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7793>

### نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** خواجه شاعران توانمند و گمنام عهد صفوی است که نسخه خطی اشعار او تا کنون، تصحیح و از نظر سبک‌شناسی مورد بررسی قرار نگرفته‌است؛ لذا هدف اصلی این پژوهش، معرفی و بررسی دست‌نویس دیوان و تحلیل مهمترین عناصر شعری اوست تا محققین با او و مختصات سبکی اشعار او در حوزه‌های زبانی، ادبی و فکری آشنا شوند.

**روشها:** پژوهش پیشرو، مطالعه نظری و با شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی انجام شده‌است. جامعه مورد مطالعه، نسخه خطی منحصر به فرد دیوان او، به شماره دستیابی ۹۰۱۵ در ۲۰۴ غزل و ۳۶ رباعی و در مجموع ۱۵۲۸ بیت است که در بخش نسخ خطی و اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری میشود.

**یافته‌ها:** اشعار دیوان در دو بخش غزلیات و رباعیات به ترتیب الفبا در قافیه مرتب شده‌است. دیوان مذکور را به خواجه شیرازی، متکلم برجسته عهد اکبری نسبت داده‌اند اما در متن نسخه، مطلبی دال بر آن وجود ندارد. وجود سرلوح تک‌زیبا و صفحات مجدول مزین، نشان دهنده اهمیت نسخه در روزگار کتابت آن است. بجز دو غزل و ابیات پراکنده در ستایش نبی اکرم (ص) و چهار رباعی متوالی که در هریک از آنها، شاعر به توصیف یکی از خلفای راشدین پرداخته‌است، دیوان هیچ اطلاعی از زندگی و احوال شاعر ارائه نمیدهد.

**نتیجه‌گیری:** بررسی نسخه خطی دیوان خواجه شاعر، نشان میدهد، نسخه از حیث رسم الخط، ویژگیهای رسم الخط سده‌های دهم و یازدهم را داراست. در دیوان خواجه شاعر، سبک عراقی و هندی هر دو دیده میشود. در حوزه زبانی، در برخی غزلیات به کاربرد لغات و ترکیبات نوساخته یا کم‌کاربرد، ترکیبات عامیانه و روزمره، کنایات فراوان، تصویرگری جزئی و مینیاتوری و... بیانگر تأثیر سبک هندی است. از نظر فکری مضامین عاشقانه و عارفانه و اندیشه‌های خیامی از مهمترین موضوعات شعری دیوان خواجه شاعر است.

تاریخ دریافت: ۲۵ آبان ۱۴۰۳  
تاریخ داوری: ۲۶ آذر ۱۴۰۳  
تاریخ اصلاح: ۱۱ دی ۱۴۰۳  
تاریخ پذیرش: ۲۷ بهمن ۱۴۰۳

#### کلمات کلیدی:

خواجه شاعر، دیوان اشعار، سده یازدهم، نسخه شناسی، متن شناسی.

\* نویسنده مسئول:

[e.rezaee@pnu.ac.ir](mailto:e.rezaee@pnu.ac.ir)

(۹۸ ۲۱) +۹۸



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction and textual analysis of the unique edition of Divan Khajagi, a poet and mystic of the 10th and 11th centuries

E. Rezaei

Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 November 2024  
Reviewed: 16 December 2024  
Revised: 31 December 2024  
Accepted: 15 February 2025

KEYWORDS

Khawajagi, Divan Poems, 11th century, manuscripts, textual studies

\*Corresponding Author

✉ [e.rezaee@pnu.ac.ir](mailto:e.rezaee@pnu.ac.ir)

☎ (+98 )

ABSTRACT

**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Khawajagi is one of the powerful and unknown poets of the Safavid era, whose manuscripts have not been corrected and analyzed in terms of stylistics. Therefore, the main goal of this research is to introduce and examine Divan's manuscript and analyze the most important elements of his poetry so that researchers can get to know him and the stylistic coordinates of his poems in linguistic, literary and intellectual fields.

**METHODOLOGY:** Progressive research, theoretical study and library method and analytical-descriptive method have been done. The studied collection is a unique manuscript of his divan, with the number of acquisition 9015 in 204 sonnets and 36 quatrains and a total of 1528 verses, which is kept in the manuscripts and documents section of the Central Library of Tehran University.

**FINDINGS:** Divan's poems are arranged in two sections, sonnets and quatrains, in alphabetical order in rhyme. The said divan has been attributed to Khawaji Shirazi, a prominent theologian of the Akbari period, but there is no evidence of it in the text of the copy. The presence of a beautiful single title and decorated tabular pages shows the importance of the copy in the time of its writing. Except for two sonnets and scattered verses in praise of the Holy Prophet (PBUH) and four consecutive quatrains, in each of which the poet described one of the rightful caliphs, Divan does not provide any information about the life and circumstances of the poet.

**CONCLUSION:** The examination of the manuscript of Divan Khajagi shows that the manuscript has the characteristics of the 10th and 11th century manuscripts. Both Iraqi and Indian styles can be seen in the court of Khojagi. In the linguistic field, in some sonnets, the use of new or rarely used words and compounds, popular and everyday compounds, many allusions, partial and miniature imagery, etc. It shows the influence of Indian style. From an intellectual point of view, romantic and mystical themes and Khayami's thoughts are among the most important poetic themes of Diwan Khajagi.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7793>

| NUMBER OF REFERENCES                                                                      | NUMBER OF TABLES                                                                         | NUMBER OF FIGURES                                                                          |
|-------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|
| <br>25 | <br>0 | <br>3 |

## مقدمه

### بیان مسأله:

با آنکه سالهاست کار تصحیح متون دستنویس در کشور رواج یافته، اما فراوانی این آثار و پراکندگی مکانی آنها موجب شده‌است که هنوز نسخ ارزشمند و تصحیح نشده بسیاری در موزه‌ها و کتابخانه‌ها باقی بماند. یکی از این مجموعه‌های ارزشمند، نسخه خطی دیوان خواجه‌ی است که پژوهشگر بر آن است تا با بررسی دیوان شعر او، به بیان ابعاد نسخه و سبک شعر او بپردازد. خواجه‌ی در دوره صفویه میزیسته و شیوه او در شاعری بینابین سبک عراقی و هندی است؛ متأسفانه تنها اثر منظومی که در حال حاضر از این شاعر در دست است، نسخه منحصر به فرد دیوان اشعار اوست که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. پژوهش حاضر اهداف زیر را دنبال می‌کند:

یک، معرفی نسخه خطی دیوان شعر خواجه‌ی.

دو، بررسی خصائص سبکی اشعار خواجه‌ی در سه حوزه زبانی، ادبی و فکری.

همچنین، در این پژوهش سعی بر آن است تا به این پرسشها پاسخ داده شود:

یک، خصائص دستنویس خواجه‌ی کدام است؟

دو، مشخصه‌های سبکی اشعار خواجه‌ی کدام است؟

### ضرورت انجام تحقیق:

دیوان اشعار خواجه‌ی تاکنون به صورت نسخه خطی، به دور از دسترس پژوهشگران اهل ادب باقی مانده است؛ لذا تصحیح و بررسی سبک‌شناسانه، چاپ دیوان شعر او و معرفی شاعر و نسخه خطی وی، از ضرورت‌های انجام این پژوهش محسوب می‌شود

### روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی با استناد به نسخه خطی منحصر به فرد در دست دیوان خواجه‌ی و دیگر منابع کتابخانه‌ای است.

### پیشینه تحقیق:

دیوان خواجه‌ی از جمله آثار منحصر به فردیست که به تازگی توسط نگارنده این مقاله تصحیح و تعلیق شده‌است. پژوهش حاضر نخستین مقاله‌ایست که به معرفی دیوان شاعر و اهمیت آن می‌پردازد. در منابعی چون تذکره هفت اقلیم، تذکره شمع انجمن، فرهنگ سخنوران و همچنین مقاله «روش‌شناسی کلامی محمد بن احمد خواجه‌ی شیرازی» که توسط ناصر صحرانورد و محسن علیخان‌پور در فصلنامه کلام اسلامی به چاپ رسیده، از انتساب دیوان شعری به خواجه‌ی شیرازی عالم برجسته علوم عقلی و نقلی در سده دهم و یازدهم هجری سخن گفته شده‌است. به استناد مطالبی از این دست، بزرگانی چون گلچین معانی نسخه خطی ۹۰۱۵ موجود در دانشگاه تهران (نسخه مورد بحث ما) را همان دیوان خواجه‌ی شیرازی دانسته‌اند.

### بحث اصلی

#### معرفی نسخه دستنویس دیوان خواجه‌ی

#### اطلاعات نسخه شناسی:

نسخه خطی منحصر بفرد دیوان خواجه‌ی، به شماره بازیابی ۹۰۱۵ در بخش نسخ خطی و اسناد کتابخانه مرکزی

دانشگاه تهران نگهداری میشود. این نسخه در ۸۱ برگ یازده سطری شامل ۲۰۴ غزل و ۳۶ رباعی است و در مجموع ۱۵۲۸ بیت را فراهم آورده‌است. کتابت نسخه به خط نستعلیق زیبا در صفحاتی با ابعادی به طول ۲۱ سانتیمتر و عرض ۱۲ سانتیمتر، با جلد تیماج سرخ زرین مقوایی در کاغذ سپاهانی انجام شده‌است. اشعار در غزلها به ترتیب الفبا در قافیه مرتب شده، اما نبود رکابه در صفحات نسخه و پس و پیش شدن برخی صفحات در صحافی اثر، گاه خواننده را دچار مشکل میسازد.

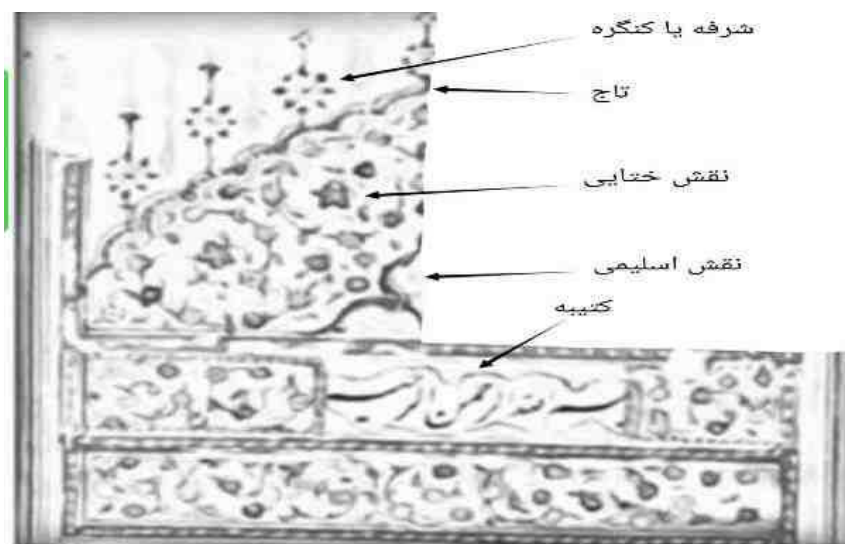
در صفحه اول نسخه، نقشبندی سرلوح زرین با نقش محراب همراه با کتیبه‌ای مرصع به شکلی زیبا و چشم‌نواز کتاب‌آرایی شده‌است. (پیوست ۱) سرلوح دارای شکل هندسی است که ماندگی به محراب و ایوان دارد. سرلوح نسخه، تک یا ساده است. مراد از «سرلوح ساده» سرلوحی است که تنها در یک صفحه باشد درمقابل سرلوح مزدوج که درواقع شامل دو سرلوح است که در دو صفحه مقابل یکدیگر کشیده شده باشد. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹: ۷۵) البته در صورتی که کتیبه و سرلوح باهم باشند نیز آن را «سرلوح مزدوج» گویند. (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۲۰)

سرلوح دیوان خواجگی از بالا به پایین شامل سه بخش اصلی است: یک تاج و دو قاب مستطیلی شکل در پایین آن. به این قابهای مستطیل شکل «کتیبه» گفته میشود. در وسط کتیبه میانی «بسم الله الرحمن الرحيم» با جوهر سیاه و خط نستعلیق زینت بخش شده‌است. در دو سوی این کتیبه دو مستطیل غیر یک‌سان وجود دارد. در پایین قاب مستطیلی دوم (بخش سوم سرلوح)، فضایی برای نوشتن هفت بیت وجود دارد که آغازگر متن نسخه است.

داخل سرلوح طلااندود است و تمامی بخشهای سرلوح با نقش‌های خطایی پر شده‌است. خطایی یا ختایی نقوش اساسی هنرهای تزئینی ایران است که از ترکیب گل غنچه و برگهای خارج از شکل طبیعی پدید می‌آید و هر گردش موزون آن را یک بند میخوانند. زمانی که بندها آماده شدند، با گلبرگهایی که در طبیعت قرینه دارند آنها را تکمیل میکنند. (عظیمی، ۱۳۸۹: ۳۵) گل‌های خطایی نسخه، از نظر تعداد گلبرگها نامنظم هستند. استفاده مذهب از رنگهای متنوع، سرلوح را مرصع کرده‌است. منظور از مرصع، نقوش منظم هندسی و با قرینه‌ایست که مذهب در کشیدن آنها در کنار رنگهای زر و مشکی که در تذهیب استفاده میشده، از الوانی مانند لاجورد، شنگرف، زنگار و غیره استفاده کرده‌باشد. (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۲۱-۱۲۲) البته امروزه تفاوتی میان تذهیب و ترصیع قائل نمیشوند. در سرلوح نسخه، در یک مورد در وسط تاج از نقوش اسلیمی نیز استفاده شده‌است. این نوع اسلیمی، «اسلیمی دهن اژدری» نامیده میشود. (آقامیری، ۱۳۸۳: ۱۱۰) اسلیمی از اجزای مهم طرحهای استیلیزه شده ایرانی است مرکب از خطوط منحنی مارپیچ که در زمینه کاشیکاری، گچبری و غیره طرح میشود. (مصاحب، ۱۳۸۷: ۵۷۶) در برداشت عرفانی، بسیاری از پژوهشگران معتقد هستند که نقوش اسلیمی رابطه تنگاتنگی با مفاهیم دینی داشته و در وهله اول جاودانگی بهشت را نشان میدهند. در مراحل عالیتر در «تبیین مفاهیم عرفانی از کثرت به وحدت نقش اساسی دارند. اسلیمیهای گیاهی به پیچش خاص خود همه حرکتهای جهت‌ها را به راه واحد نقطه وحدت که نماد عالی توحید است، سوق میدهند.» (بوركهارت، ۱۳۷۶: ۶۸)

قسمت بالای تاج، با شرفه یا کنگره تزئین شده‌است. مراد از «شرفه» خطوط باریک و نازک لاجورد و زری است که در قسمت بالای تاج سرلوح کشیده شده، کتاب‌آرا، از دو نوع شرفه به صورت منظم و یک‌درمیان بهره برده است. نوع اول با طرح بند اسلیمی (شامل ۷ عدد) و نوع دوم با طرحی شبیه به سرو (شامل ۷ عدد) ترسیم شده‌اند و مانند رشته‌های نور که از جسم نورانی منعکس شده، به عنوان مکمل، متن را به حاشیه صفحات پیوند داده‌است مانند پیوند ساحل با دریا. این ویژگی مانند برائت استهلالی است که ما را به نگرش عرفانی شاعر و موضوع عرفانی غزلیات او رهنمون میسازد.

تمامی صفحات نسخه با جدولهایی مرکب از رنگهای زر، شنگرف، لاجوردی و زنگاری احاطه شده‌اند. رنگ لاجورد در این حاشیه‌ها غالب است. در متن صفحات، همچنین با خطوط زر مصرعهای اول و دوم ابیات از یکدیگر جدا شده‌اند. (این توضیحات، در تصویر زیر مشخص شده است.)



در پشت این صفحه (صفحه سرلوح)، اثر دو مهر چهارگوش دیده میشود که روی یکی از آنها «قمرالدوله ۱۱۹۳» درج شده‌است و دیگری ناخواناست. (پیوست شماره ۲)

اشعار دیوان شامل دو بخش غزلیات و رباعیات است. صفحات رکابه ندارد و شیرازه‌بندی کتاب، در بخشهایی دچار بهم‌ریختگی و در نتیجه فاصله‌افتادن بین بخشهایی از چند غزل شده‌است. نسخه از آسیب‌دیدگی به دور بوده است. نسخه موجود فاقد ترقیمه<sup>۱</sup> است بنابراین نام کاتب و تاریخ کتابت آن مشخص نیست، اما نیم‌ترنجی که در پایان صفحه آخر قرار دارد و متأسفانه قسمت اعظمش در وصله از میان رفته، نشان میدهد که نسخه کامل است و افتادگی ندارد. (پیوست شماره ۳)

#### مهمترین ویژگیهای کتابت (رسم الخط) دیوان خواجگی

از میان حروف چهارگانه فارسی، «چ»، «پ» و «ژ» تقریباً در همه جا به صورت امروزی آن درج شده‌است اما حرف «گ» همه جا به صورت «ک» نوشته شده مانند خواجگی، گل، گلشن که به صورت خواجکی، کل، گلشن کتابت شده‌است؛ «ای» نکره یا وحدت به صورت «ء» نوشته شده و در مواردی هم حذف شده. مانند کتابت «تازه» بجای «تازه‌ای»، «گلشن‌کده» بجای «گلشن کده‌ای»؛ پیوسته‌نویسی یا جدانویسی کلمات قانونمند نیست و کاتب هر جا که مصراع در جدول جا نشده، از سرهم نویسی استفاده کرده‌است. پیوسته‌نویسی در دیوان بسیار دیده میشود مانند متصل نوشتن ردیف «را» در غزل سیزدهم به کلمات قافیه. شاعر کلمات گلگون، موزون، هامون، گردون و... را به ردیف، متصل نوشته به صورت گلگونرا، موزونرا، هامونرا، گردونرا؛ «ب» در مواردی به کلمه بعد آن متصل

<sup>۱</sup> - معمولاً کاتبان در پایان نسخه، مطالبی از قبیل تاریخ و مکان کتابت و نام اثر و... را می‌آوردند که به آن ترقیمه میگویند. (ر.ک. بیانی، ۱۳۵۳: ۴۸)

شده‌است. مانند پرویت (= به رویت)، بعصمت (= به عصمت)؛ ناگفته نماند کاتب اغلب به سرهم نویسی کلمات مرکب خود را مقید کرده است مثل خوبرویان، کجکلاه؛ گاهی حذف «ه» در آخر صفت مفعولی و «أ» فعل معین در فعل مرکب دیده می‌شود. مانند کردست، ندیدست بجای کرده‌است و ندیده‌است؛ واژه «خوی» به معنی عرق، به دو صورت «خوی» و «خو» آمده‌است؛ در واژه‌های مختوم به «ه»، زمانی که با «ها» جمع بسته شده‌اند «ه» حذف شده‌است مانند «خنده‌ها» و «قطره‌ها» که به صورت «خندها» و «قطرها» آمده‌است؛ در مواردی در کلمات فارسی بجای «ی» از «ه» استفاده شده مانند سودائی، سیمائی، مینائی بجای سوایی، سیمایی و مینایی؛ جدا نویسی «ب» و «ن» از فعل در مواردی مانند «به بند» بجای «ببند». «نه بست» بجای «ببست»؛ استفاده از سه نقطه‌ترینی مثلی برای پر کردن سطر بندی مصراع؛ متن در موارد معدودی دارای غلط املائی است. مانند ناقه (= نافه)، بالیتنی (= یالیتنی)، گذف (= گزاف)، برنخواستنه (بجای برنخاسته).

### معرفی شاعر:

در هفت اقلیم در ذیل شیراز در زیر عنوان «خواجگی شریف» آمده‌است:  
 «به مکارم اخلاق و محاسن آداب موصوف بوده، صاحب طبع سلیم و ذهن مستقیم است و امروز بنا بر وفور کاردانی و فضایل نفسانی از محرمان مجالس خاص حضرت خاقانی (جلال الدین محمد اکبر شاه) است. و از غایت درستی و راستی اندیشه، چهره معانی را به غازه مضامین تازه سرخرویی داده، در نظم و نثر بدایع خیالات دارد.» (رازی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۴۹)<sup>۱</sup> وی در ادامه، ابیات زیر را به عنوان نمونه از اشعار خواجگی نقل کرده‌است:

|                                      |                                      |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| -تاریک باد کلبه شخصی که هر نفس       | بر آفتاب خنده ندارد چراغ او          |
| -به عهد حسن تو دل داشتن چنان عجب است | که چون هلال نمایندش، آنکه دل دارد    |
| -آن را که در محبت وحدت مراد باشد     | همچون چراغ باید، روشن نهاد باشد      |
| -به یک قلم بنویس ای فرشته دوزخیم     | ز حد فرونست گنه، حاجت مکابره نیست    |
| -فنا نهایت کردار حق پرستان است       | ولی به عشق تو این شیوه اولین قدم است |
| نگاه گرم کسی آرزو پرستم کرد          | وگر نه همت من فوق شادی و الم است     |

(حسن خان بهادر، ۱۳۸۶: ۳۶۳)

گلچین معانی، در کاروان هند، سخنان هفت اقلیم را عیناً نقل کرده و البته بیت آخر شواهد را به نقل از عرفات از «امیرالامرا محمد شریف فارسی» دانسته‌است. وی در ادامه اشاره کرده که دیوان خواجگی را که دو هزار بیت دارد و تحریر اوایل قرن یازدهم است؛ در کتابخانه مجلس دیده‌است. (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۸۶-۳۸۷) در پیگیری از کتابخانه مجلس این مطلب رد شد. به نظر میرسد دیوانی که گلچین معانی از آن سخن گفته‌است، همین نسخه منحصر به فرد به شماره ۹۰۱۵ است.

در تذکره شمع انجمن در ذیل «شریف شیرازی» آمده‌است: «خواجگی شیرازی در نظم و نثر قوت کمال داشته و به درگاه اکبری به سر برده.» (حسن خان بهادر، ۱۳۸۶: ۳۶۳) از بررسی مطالب فوق درمی‌یابیم که سخنان گلچین گیلانی و حسن خان بهادر برگرفته از تذکره هفت اقلیم است.

<sup>۱</sup> - متن نسخه ۹۰۱۵ در آغاز یک برگ و در انجامش هم یک برگ بدرقه دارد که در برگه آغاز (برگ پیش از متن نسخه) معرفی شاعر با خطی خوانا، از هفت اقلیم نقل و افزوده شده‌است. (پیوست شماره ۴)

در تذکره‌ی هفت اقلیم نام دقیق شاعر ذکر نشده، هیچیک از ابیاتی هم که در این منابع به عنوان شاهد ذکر شده در نسخه دست‌نویس ۹۰۱۵ وجود ندارد.

آقابزرگ طهرانی از خواجه‌ی شیرازی با عنوان «الشیخ محمد بن احمد الشهیر بخواجه‌کی الشیرازی» یاد کرده‌است. (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ۲۰: ۱۴۶) شیخ محمد بن احمد مشهور به خواجه‌ی شیرازی متکلم مشهور و صاحب کتاب النظامیه فی مذهب الامامیه است. او در این کتاب خود را «خواجه‌ی شیخ شیرازی» معرفی کرده‌است. (خواجه‌ی، ۱۳۷۵: ۷۰) حیات وی با سلطنت پادشاهان ایرانی چون شاه طهماسب اول، اسماعیل ثانی، محمد خدا بنده و شاه عباس اول مصادف بوده‌است. (همان، مقدمه: ۳۱) در این دوره، حکومت صفوی به گسترش مذهب شیعه اهتمام داشت. به همین دلیل خواجه‌ی که در اهل سنت و پیروی از مذهب شافعی متعصب بود، به هند مهاجرت کرد. دلایل دیگری چون استقبال امرای هند از علما و شعراء وجود دیگر اندیشمندان ایرانی در هند، شیفتگی هندیان به فرهنگ و زبان ایرانی، فراهم بودن زمینه مناسب برای اظهار عقیده و نشر معارف در هند، در مهاجرت وی به هند موثر بود. (همان: ۳۶) خواجه‌ی بعدها مذهب شیعه را پذیرفت و در آثارش به تبلیغ و ترویج عقاید شیعه همت گماشت.

آنگونه که از آثار منشور خواجه‌ی برمی‌آید او در دربار پادشاهان نظام شاهی و قطب شاهی جایگاه خاصی داشته تاجایی که کتاب «النظامیه فی مذهب الامامیه» کتاب «التحقیقات» را به درخواست نظامشاهیان نوشت و تنها اثر تفسیری خویش را هم به فرمان پادشاه قطب‌شاهی تألیف کرد. بعد از فروپاشی دو سلسله یادشده در دکن باقی ماند و مورد عنایت جلال‌الدین اکبر شاه گورکانی قرار گرفت. (همان، ۳۱-۳۲)

آثار متعدد و متنوعی کلامی و فلسفی برای خواجه‌ی شیرازی ذکر شده است از جمله این آثار میتوان به این موارد اشاره کرد: الفیه (شرحی عربی در نامهای حروف تهجی)، رساله تحقیق در مسمای الف، شرح فوائدالضیائیه فی شرح الکافیه که شرحی است بر شرح نورالدین عبدالرحمان جامی موسوم به فوائدالضیائیه بر کتاب کافیه ابن حاجب، شرح معنیات، طوارق، مفتاح‌المنجمین، البوار، تسهیل کواکب سبعة، بحرالمنافع (در شرح ادعیه)، مختصر مجمع‌البیان که خواجه‌ی آن را به درخواست سلطان ابراهیم قطب شاه، از پادشاهان شیعی حاکم بر گلکنده سده دهم آماده کرد، اصول خمسۀ کبیر در باب پنج اصل اعتقادی، التحقیقات، المحجه‌البیضاء، شرح الفحول فی الشرح الفصول (نوشته به سال ۹۵۳ ه.ق)، تمهیدات که به سال ۹۵۳ ه.ق و پس از روی آوردن به مذهب شیعه نوشته‌است، شرح کتاب الباب‌الحادی عشر نوشته علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶)، شرح رساله امیر صدرالدین محمد شیرازی، شرح رساله محقق دوانی، شرح رساله نورالدین عبدالرحمن جامی، شرح فصول نصیری، النظامیه فی مذهب الامامیه. (صحرانورد و علیخان‌پور، ۱۳۹۹: ۹۳-۹۵) و رساله ختم‌الغرائب که شرحی بر اشعار خاقانی و برخی شعرای دیگر است و در دیباچه آن، مؤلف خود را «محمد بن خواجه‌ی گیلانی رشتی» معرفی کرده است که به نظر میرسد همان خواجه‌ی شیرازیست. (دایره المعارف تشیع، مدخل ختم‌الغرائب؛ نیز اسدی، ۱۳۸۸: ل) مطالب ذکر شده فوق در احوال خواجه‌ی شیرازی به چند دلیل با آنچه در دیوان خواجه‌ی میابیم، چندان همراه نیست:

اول آنکه دیوان مورد بحث، بجز تخلص خواجه‌ی، اطلاع مستقیمی از شاعر به ما نمیدهد. تنها در بیت زیر به پیری او اشاره شده که بیانگر عمر بسزای شاعر است:

عیش پیمانه ز مهتاب دوبالا گردد  
خوش به پیری هوس باده ناب است مرا  
(نسخه خطی دیوان: ص ۹)

مدح یا اشاره‌ای به اکبر شاه گورکانی، وابستگی شاعر به دربار گورکانی یا هر دربار دیگری یا دست‌کم نشانه‌ای از سفر شاعر به هند در دیوان دیده نمی‌شود. درمقابل آنگونه که از متن اشعار برمی‌آید خواجگی عارفی وارسته و به دور از تعلقات دنیایی است.

دوم آنکه در دیوان اشعار نه تنها، خواجگی به تغییر مذهب او به تشیع اشاره نشده بلکه در چند رباعی آغاز بخش رباعیات، به ترتیب در هر رباعی به وصف و مدح یکی از خلفای راشدین پرداخته شده است:

|                               |                                 |
|-------------------------------|---------------------------------|
| صدیق که رازدان رحمانی بود     | سر حلقه مصطفای ربحانی بود       |
| مقبول اله و یار غار احمد      | سرکرده مجمع مسلمانی بود         |
| یارب بخشا ز لطف نور بصری      | تا راه برم به شرح وصف عمری      |
| آمد ز حدیث مصطفای مرسل        | اثبات کمالش از دلیل خبری        |
| آن عارف معصوم و محب هوشیار    | سرمایه زهد و حلم عثمان کبار     |
| از رای نکو چو جامع قرآن بود   | اقبال قرین و دولتش آمد یار      |
| حیدر که کننده در خیبر بود     | در کار شکست خصم دین صفدر بود    |
| هم شیر خدا بود و هم ارباب کرم | در فضل و کمال از دو رو سرور بود |

(نسخه خطی دیوان: ص ۱۵۵)

سوم آنکه شاید «خواجگی شریف» که مدتظر صاحب هفت اقلیم و دیگران بوده و اشعاری از او را نقل کرده‌اند، شخص دیگری یا همان «خواجگی فارسی یا شیرازی» متکلم مشهور این دوره باشد. چراکه هیچیک از اشعاری که در تذکره‌ها و منابع از خواجگی شریف ذکر شده است، در نسخه منحصر به فرد ۹۰۱۵ وجود ندارد.

دیگر آنکه شخصیتی که دیوان از شاعر به ما ارائه می‌دهد همانگونه که در بخشهای بعدی مقاله خواهیم گفت یک عارف است و نه یک متکلم. تعداد ادله کلامی در دیوان او بسیار اندک است که آنهم برگرفته از اعتقاد مسلمانی شاعر است. خواجگی در استشهاد به آیات و احادیث به شیوه متکلمه نرفته و استشهادات او همانگونه که در مقاله به آن پرداخته‌ایم؛ انگشت شمار و از آن دست شواهدی است که عرفا به کار می‌بردند.

بنابراین احتمال می‌رود که خواجگی صاحب دیوان مورد بحث، شاعر و عارفی گمنام و جدا از خواجگی شیرازی متکلم برجسته باشد. مگر آنکه بپذیریم وی در غزلیاتش گرایشهای عرفانی خود را ارائه داده و دیوان اشعار موجود یا دست‌کم رباعیات خواجگی مربوط به قبل از تحول مذهبی او (از تسنن به تشیع) و سفر او به هند سروده شده است.

### برجستگیهای سبکی دیوان خواجگی

دیوان خواجگی در دو بخش غزلیات (۲۰۴ غزل) و رباعیات (۳۶ رباعی) الفبایی شده است. سبک شعری او در سه سطح فکری، ادبی و زبانی عبارتند از:

#### سبک فکری

مهمترین موضوعات دیوان خواجگی عبارتند از:

۱. مدح دینی:

اولین غزل خواجگی در تحمیدیه است با مطلع:

زهی حمدی که باشد نام پاکش تاج دیوانها  
زهی حمدی که ذکرش گل کند از پرده جانها

(نسخ خطی دیوان: ص ۱)

غزل‌های دوم و سوم در مناجات و گفتگوی با خداوند سروده شده است. در هر سه غزل مذکور دید عارفانه شاعر مشهود و ملموس است. وی در دو غزل با مطالع زیر به مدح نبی اکرم(ص) پرداخته است:

- تا گشودم لب به نعت سرور قدسی جناب  
یا شفیع المذنبین گویست ذکرم ز انتخاب  
(همان: ص ۲۳-۲۴)

- دست ار به دامنش بزنم دور از ادب  
بخشد زهی قبول و بخواند زهی طرب  
(همان: ص ۲۴)

- سزد کز لطف تابد بر من آن خورشید نه طارم  
کند از خاک پایش کحل بینش دیده بر مردم  
(همان: ص ۱۲۵)

در این اشعار نبی اکرم(ص) را با صفاتی چون رهنمای جزء و کل، آفتاب، ملک خصال، کم ناز در دانش و کم فخر در حسب و... توصیف و مدح نموده است. در غزلی دیگر نیز در صفحه ۱۱۵ نسخه، بیتی در مدح نبی اکرم (ص) آورده است:

دو عالم محشر حسن است و صد یوسف صفت هرسو  
من بیدل ثناخوان رخ خورشید لولا کم  
(همان: ص ۱۱۵)

همانطور که اشاره شد، شاعر در چهار رباعی اول بخش رباعیات به ترتیب به مدح خلفای راشدین نیز پرداخته است. ۲. مضامین عاشقانه:

از نظر خصائص، سبک غزل‌های خواجگی را میتوان سبکی بینابین سبک‌های عراقی با مکتب وقوع و سبک هندی دانست. درواقع غزل‌های خواجگی ادامه غزل سبک عراقی است که رگه‌هایی از غزل وقوعی و غزل سبک هندی در آن دیده میشود. البته غزل‌هایی نیز وجود دارد که میتوان آنها را نمونه کامل یک غزل وقوعی یا نمونه متوسط یک غزل سبک هندی دانست.

موضوع اصلی غزل‌های خواجگی و برخی رباعیات او، عشق عارفانه و عاشقانه است. او خود بر این موضوع تأکید دارد و هر موضوعی غیر از عشق را مستعار و عاریه میداند:

ز عشق معنی سنجیده خواجگی دریاب  
دگر مپیچ به مضمون مستعار عبث  
(همان: ص ۵۵)

#### مضامین عارفانه:

خواجگی اغلب به بیان مباحث عارفانه مثل وحدت وجود، فقر، کسش و کوشش، توکل، تسلیم، ترک تعلقات دنیایی و... پرداخته است. درچندین غزل خواجگی دیدگاه‌های شطحی نیز دیده میشود. شطح در اصطلاح عرفانی، به مجموعه رویدادهای گفتاری و رفتاری اطلاق میگردد که از عارف در حالت وجد، سکر و از خود بی خودی سر میزند و سرریزهای روح را بر زبان یا فعل او آشکار میکند. (حیدری، ۱۳۹۹: ۶۱) عارف در شطحیات اغلب خود را در جایگاه طغیان بر جهان میبیند و ادعای مقابله با چرخ و برهم زدن آن را دارد. مانند این ابیات:

- دود آهی خواهم از دل برکشم در کار چرخ  
تا براندازم ز جا این خانه دلگیر را  
(نسخه خطی دیوان: ص ۲۰)

- در دسر سامان مکش ای چرخ تهیدست  
باشد پرکاهی دو جهان در نظر ما  
(همان: ص ۷)

او همچون دیگر عرفا، بارها به تقابل زاهد و میفروش، رد زاهد و زهد ریایی، میخانه و... اشاره کرده است. از جمله:

زاهد افسرده را اینجا بود تکلیف می باشد افشردن به خاک مرده چون بیجا گلاب  
(همان: ص ۲۴)

در مواردی به نظر میرسد شاعر در اندیشه و یا دستکم در قافیه و ردیف برخی اشعارش از غزل حافظ تأثیر گرفته‌است. از جمله خواجگی غزلی دارد با مطلع:

میی ز جام طرب نوش کرده‌ام که مپرس وداع عقل و دل و هوش کرده‌ام که مپرس  
(همان: ص ۹۳)

که استقبال از غزل حافظ است با مطلع:

درد عشقی کشیده‌ام که مپرس زهر هجری چشیده‌ام که مپرس  
(حافظ شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۴۲۲)

در مواردی هم الفاظ و مضامین شعر حافظ را در شعر خود گنجانده است. به عنوان مثال در بیت زیر:

بر سر ایمان چو برگ بید میلرزم ز بیم از خدنگ اندازی ناز نگاه کافری  
(نسخه خطی دیوان خواجگی: ص ۱۴۹)

تأثیر این بیت حافظ پیداست:

چو بید بر سر ایمان خویش میلرزم که دل به دست کمان ابروئیست کافر کیش  
(حافظ شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۵۳)

یا بیت زیر:

عشق بگزین که نباشد هنری بهتر ازین بیخبر شو که نباشد خبری بهتر ازین  
(نسخه خطی دیوان خواجگی: ص ۱۳۶)

که یادآور بیت زیبایی حافظ شیرازیست:

ناصرم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق گفتم ای خواجه عاقل هنری بهتر از این  
(حافظ شیرازی، ۱۳۷۳: ۳۶۰)

۳. شکوه از روزگار و مضامین خیامی:

خواجگی با روزگار و اهل روزگار درگیر است. او در غزلیات و رباعیات، گاه از اهل زمانه شکوه میکند. پس از شکوه از روزگار، از اهل روزگار مثل زاهدان ریایی، بی‌خردان، دوست ناجنس و خصم بدکیش شکوه کرده‌است. از جمله در بیت زیر از «حرف بی‌خردان» گله‌مند است:

چشم خرد گشا همه درد ترا دواست گر دل ز حرف بیخردان درد میکند  
(همان: ص ۷۱)

در کنار این مطالب گاه با اندیشه‌های خیامی از قبیل مرگ، تبدیل شدن به خاک و گل کوزه‌گری، غمگرای، شکوه از فلک و ظلم او و اغتنام فرصت نیز روبرو هستیم. از جمله:

ای اهل دل به گلشن سنجیده پا گذارید هر سبزه زین چمن رست مژگان دلبری بود  
(همان: ص ۷۸)

بنیاد ظلم آخر گردد به خاک یکسان روزی فتد فلک هم از سختگیری خویش  
(همان: ص ۹۹)

دوشینه در خرابات دیدم به چشم عبرت      هر جام می به دستی خود کاسه‌ی سری بود  
(همان: ص ۷۹)

#### طنز لطیف:

یک نکته‌ی جالب توجه دیگر در دیوان خواجه‌ی، وجود رگه‌هایی از طنز لطیف است. این طنز را که حاصل کنار هم قرار گرفتن واژه‌های متناقض و محتوای متناقض‌نما است، میتوان در ابیات زیر دید:

به شوربختی خود خوشدلیم که لب شکران      ز نوشخند به کان ملاحتم خوانند  
(همان: ص ۷۲)

لذت زندگی از شهد پشیمانی خواه      مدتی از لب افسوس ثمر باید خورد  
(همان: ص ۸۱)

خواجه‌ی گاه این طنز را در گفتگوی با خداوند نیز به کار برده که ناشی از گستاخی عارفانه‌ی او و رحمت و اسعه‌ی خداوند است:

یارب به جرم خواجه‌ی آمرز جرم خلق      گر رحمت کند گله از کم گناهیم  
(همان: ص ۱۱۸)

#### سبک ادبی

مهمترین ویژگیهای ادبی و بلاغی نسخه عبارتند از:

##### بهره‌گیری از خصائص سبک هندی:

همانطور که اشاره شد سبک غزل خواجه‌ی بیشتر معطوف به سبک عراقی است، در عین حال گاه رگه‌های کمرنگ و پر رنگی از جستجوی معنی بیگانه، استفاده از باورهای عامیانه، الهام‌گیری از زندگی روزمره، تمثیل‌سازی و خیالپردازی و... سبک هندی در آن دیده میشود. از مهمترین این خصائص، میتوان به این موارد اشاره کرد:

- جستجوی معنی بیگانه: خواجه‌ی همچون شاعران برجسته سبک هندی، آگاهانه در جستجوی معانی و مضامین تازه است. وجود اصطلاحاتی مانند معنی بیگانه، معنی رنگین و معنی تازه در شعر خواجه‌ی اشاره به این موضوع دارد.

فکر ما را از سخن بیرون بود برجستگی      معنی بیگانه باشد مصرع دلخواه ما  
(همان: ص ۱۴)

او یافتن معنی تازه را آسان نمیداند با این حال بارها از تلاش و موفقیت خود در غوطه‌خوردن در دریای معانی و بیرون کشیدن گوهر معانی، سخن گفته‌است. از جمله در ابیات زیر آورده:

نقاب از رخ معنی گرفتن آسان نیست      نهان بود چو به صد پرده حسن مستورش  
(همان: ص ۱۰۲)

ز بس غواصی بحر معانی کیش خود دارد      گهر از قعر دریا میکشد طبع بلند ما  
(همان: ص ۱۱)

تا گوهری ز بحر معانی فتد به کف      از رشته خیال فکندم رسن در آب  
(همان: ص ۲۴)

بی معنی تازه طبع روشن      بحرست که گوهری ندارد  
(همان: ص ۶۶)

خواجگی خود را در این راه موفق میدانند و در چند مورد به سخنوری خود تفاخر میکند:

گلدسته ریاض سخن گشت خواجگی      این تازه شعر کز قلم خوشبیان ماست  
(همان: ص ۴۰)

عروج هفت فلک گام واپسین منست      رسید خواجگی از بس به منتهی سخنم  
(همان: ص ۱۲۰)

او بر مخالفانش میتازد:

دهم صد پختگی از آتش فکر      چسان از لب سخن خامم برآید  
چه باک از حرف تلخ خصم بدکیش      که شهد از زهر دشنامم برآید  
(همان: ص ۷۶)

البته از آن دست افراطها در مضمون‌سازی و باریک‌اندیشی که در شعر برخی از شاعران سبک هندی دیده میشود و موجب شده شعر آنها لطافت و طراوت خود را از دست دهد و مصنوعی، پیچیده و نیازمند اندیشه بسیار باشد، در دیوان خواجگی دیده نمیشود.

- الهامگیری از تجارب روزمره، محیط و...: استفاده از عناصر محیطی و تجارب روزمره در اشعار شاعران پیشتر از خواجگی هم وجود داشت. اما در سده‌های دهم و یازدهم، به نوعی ضرورت تبدیل شده‌است. خواجگی نیز همچون شعرای معاصرش با توجه به احساسات و حالات درونی خود، برداشت خویش را از عالم خارج و محیط اطرافش بیان میکند:

ز خاکم بگذرد مست شراب آن شوخ و من شادم      که خواهد یافت از دود دلم بوی کباب آخر  
(همان: ص ۸۶)

- استفاده از مضامین و موتیفهای تکراری: در تعریف موتیف آمده است: «هر یک از فکرها و ایده‌های غالب در اثر ادبی، بخشی از مضمون اصلی ممکن است شامل یک شخصیت یا یک تصویر مکرر یا یک الگوی زبانی باشد.» (کادن، ۱۳۸۰: ۲۴۶) موتیف غالباً بیانگر ذهنیت و حساسیت هنرمند نسبت به یک موضوع یا یک پدیده است. به گونه‌ای که این ذهنیت به صورت ملکه ذهنی او درآمده و پیوسته در جریان خلاقیت، هنرنمایی میکند. (پورآلشتی، ۱۳۸۴: ۸۵) در شعر خواجگی، پرداختن به طبیعت و عناصر مرتبط با آن مثل بهار، باغ و اجزای باغ (چمن، گل، سرو و...) یکی از پرکاربردترین موتیفهاست. درواقع کمتر غزلی است که در آن شاعر به یاد طبیعت نیفتاده باشد. در غزلی با ردیف «گل»، خواجگی علت این توجه را در شباهت اندک گل به معشوق دانسته است: اندکی دارد ز بس نسبت به رنگ و بوی او      زان رقم کردم به تشبیه رخس ناچار گل  
(نسخه خطی دیوان خواجگی: ص ۱۱۰)

وی بارها ضمن تشبیه مستقیم یا ضمنی معشوق به عناصر طبیعت، معشوق را بر آنها برتر دانسته و نظاره به گل و باغ را به شکلهای مختلف رد میکند. مانند این موارد:

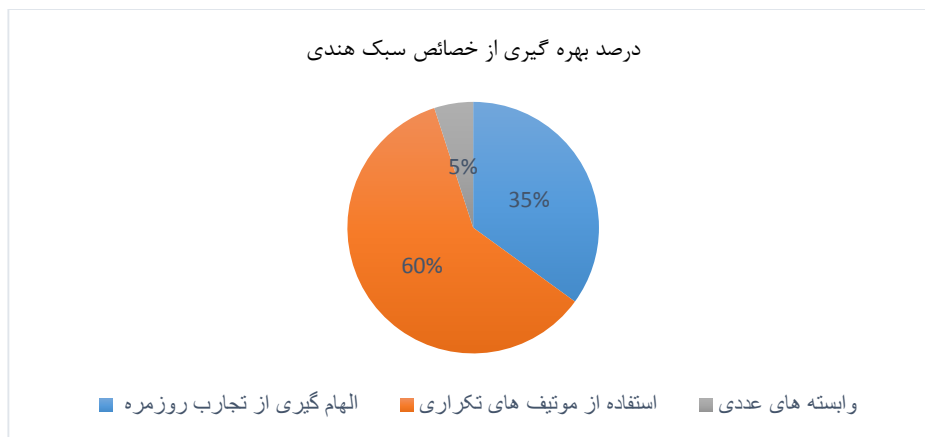
کسی که جلوه حسن تو در نظر دارد      نظاره سوی گل افکندنش ز بی بصریست  
(همان: ص ۵۴)

چه نسبت است به شمشاد سرو ناز مرا      به سرو ناز کند چون قدش خرامان شد  
(همان: ص ۷۰)

گل رویش بنام کز لطافت به گل نازد ز حسن نیم رنگش  
(همان: ص ۹۷)

- استفاده از مقیاسهای شاعرانه (وابسته‌های عددی): علاوه بر ساختار معمول بیان عدد در زبان فارسی که قابل اندازه‌گیری و شمارش است، شعرای سبک هندی از ساختار متفاوتی برای این منظور استفاده کرده‌اند که در آن عدد با یک یا دو امر مادی یا انتزاعی و غیر قابل اندازه‌گیری همراه است. (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۴۵-۵۴) خواجه‌ی در چند مورد از این ساختار استفاده کرده‌است. وابسته‌های عددی بعدها در شعر شاعرانی چون بیدل نمود پیدا کردند. خواجه‌ی ترکیباتی چون صد چمن بال، صد گل داغ، قدر یک جنبش مژگان، صد چمن داغ و... را به کار برده‌است. از جمله:

صد چمن بالم به خود از شوق بیغش خواجه‌ی  
زخمها زد خنده در دل جوش گلزارم مپرس  
(همان: ص ۹۵)



### بهره‌گیری از صورخیال:

شاعر علاقه و توجه بسزایی به صور خیال بخصوص تشبیه، استعاره و کنایه دارد. شاعر با استفاده از تمثیل، اسلوب معادله، تشبیه مرکب و بخصوص تشبیه اسنادی به صورت مینیاتوری و دقیق به بیان مضامین جزئی پرداخته‌است. او تلاش کرده با توجه به آنچه در پیرامون خویش می‌بیند، مضامینی را بیرون کشیده و هر مضمون را در یک بیت بگنجاند. به عنوان مثال شاعر در بیت زیر، دل عاشق را که با تیر مژگان معشوق مخلخل شده به پوسته داخلی بادم که چون پرده‌ای توری و مشبک است، تشبیه می‌کند:

شد مشبک چو پرده بادم چه قدر دل شکار مژگان است  
(ص ۵۱)

البته مضامین مورد توجه شاعر اغلب غریب و دور از ذهن نیست به همین دلیل، دریافت مفهوم آنها چندان دشوار نیست. ابیات زیر از این دست است:

خواجه‌ی گشتم غبار از ناتوانیهای عشق میکند خالی نسیمی گر وزد جایی مرا  
(همان: ص ۱۳)

خراب افتاده از بس از فراق گلشن چشمم ز خشکی سبزه مژگان نشان از خار دیوار است  
(همان: ص ۳۲)

گل خودروی رعنائی بود نقش کف پایش نگار من گلستان میکند از جلوه هامون را  
(همان: ص ۱۲)

گاه در فن تمثیل، شاعر ابتدا مطلب را در هر باب و در هر موضوع که بخواهد، دعوی میکند، سپس مثالی می‌آورد تا به وسیله آن ادعای خود را ثابت کند یا علت ادعایش را آشکار سازد و یا به عنوان نظیر و بدیل آن را تلقی سازد. ابیات زیر از جمله تمثیلات شاعر در قالب اسلوب معادله است:

خواجه‌گی خشک لبیها بودت مایه عیش تشنه لب ماند صدف تا گهری پیدا کرد  
(همان: ص ۸۲)

شروع برگریزانست سامان شکفت گل کف افسوس پنداری لبی کز عیش‌خندانست  
(همان: ص ۴۱)

بی نیاز عشق دارد گنجها در آستین دست ما کی زیردست همت هر ناکس است  
(همان: ص ۵۳)

از جوش سبزه رونق گلشن شود فزون پرداز تازه یافت رخت از غبار خط  
(همان: ص ۱۰۵)

دیوان خواجگی دارای کنایات فراوان ادبی و کاربردی است. از جمله: تنک ظرفی، چشم روشن کردن، گل کردن، نمد پوشیدن، پهلوی زدن، پنبه غفلت از گوش بردن، پنبه از مینا گرفتن، تار کشیدن اشک، داغ چیزی بودن، پشت دست زدن، ردا از دوش برداشتن، لب گزیدن، رشته جان را بریدن، داغ چیزی بودن، جگر نداشتن، به راه کسی پل شدن، دل سرد کردن، رخ زرد، خاک شدن، خون جگر خوردن، جگر خوار، خاک بر سر زدن، رنگ کاهی داشتن، سرخرویی کردن، پهلوی زدن، کج کلاهی، مصرع از یاد جسته و... این مورد آخر در چند بیت تکرار شده و مراد از آن موضوع فراموش شده، است. از جمله در این بیت:

سرو جنت مصرعی از یاد بیرون جسته است چون خیال جلوۀ آن قامت موزون کنم  
(همان: ص ۱۶۴)

یکی از نکات ادبی قابل توجه در دیوان خواجگی، استفاده مکرر از تشبیه اسنادی در کنار تشبیه فشرده (تشبیه بلاغی) است. مانند:

قطره‌های اشک ما بس میوه باغ وجود شاخ نخل پرثمر مژگان خون‌آشام ماست  
(همان: ص ۳۹)

دل شیشه است و راز غم اوست چون پری شادم ازین که نیست بجز عشق محرمش  
(همان: ص ۹۸)

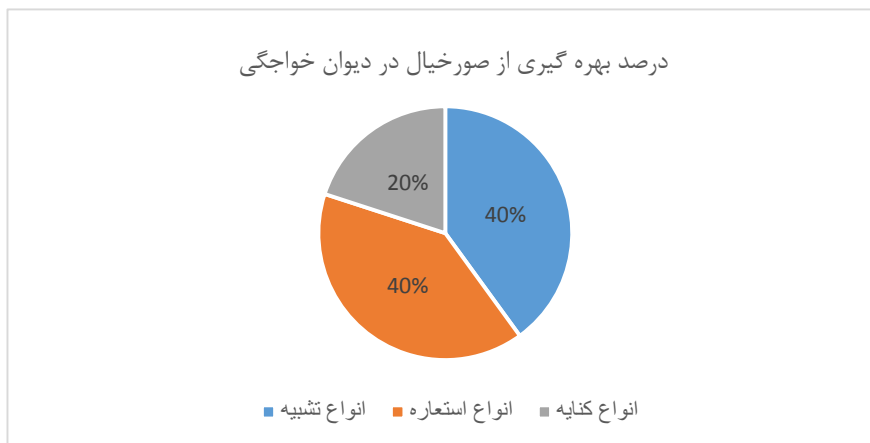
۳-۲-۱- پارادوکس:

نگاه و سخنان شطح‌آمیز خواجگی باعث شده پارادوکس یا متناقض‌نما در شعر او پر رنگ باشد. دین کفر، راز آشکار، پیراهن عریانی، شهد پشیمانی، هدایت شدن با گمراهی، هستی یافتن در نیستی، ویرانه دل معمور و... از این دست هستند.

شد خواجگی علاج دل من ز داغ خویش      ممنون دردم و به مداوا مرا چه کار  
(همان: ص ۸۹)

زنم یک پشت پا بر هر دو عالم      خوشا دیوانگی فرزانه‌ام کرد  
(همان: ص ۷۳)

حسن تعلیل:



شاعر در مواردی از حسن تعلیلهای جدید و ناب بهره برده‌است. از جمله در دلیل نمدپوشی صوفیه آورده:  
خلعت تازه نگیرند به بر صافدلان      تا بپوشند چو آینه نمد میپوشند  
(همان: ص ۷۹)

مواردی دیگر از حسن تعلیل در دیوان خواجگی:

تا فکندی ز سر ناز نظر آینه را      خوبرویان نگذارند ز بر آینه را  
(همان: ص ۸)

ادب به کوی تو چندان خمیده‌ام کرده است      که خاک پای تو را کحل دیده‌ام کرده است  
(همان: ص ۲۶)

ایهام جدید و زیبا:

در بیت زیر «شور» را در دو معنی «آشوب و غوغا» و «نمکین» بکار برده‌است که معنی دوم با «نمکدان» تناسب دارد:

عشق او با دو جهان وجد دوچارم کرده است      شور محشر اثر گرد نمکدان من است  
(همان: ص ۴۸)

تلمیح:

تلمیح به شخصیت‌های دینی، ملی، اسطوره‌ای و داستانی در شعر خواجگی نیز مانند شعر بسیاری از شاعران دیگر دیده میشود. موضوعاتی چون مسیح، خلیل و آتش و گلستان، یوسف و یعقوب، مجنون و لیلی، گلگون، خضر و

آب حیوان، افلاطون و عنقا و در دسترس نبودن او مورد توجه شاعر بوده‌اند. اغلب تلمیحات وی، غیرمستقیم و ضمنی هستند به عنوان مثال در دو بیت زیر، از میوه ممنوعه و هبوط از بهشت به طور ضمنی یاد کرده‌است:

عیشم ارزانی که از روز ازل بخشیده‌ام      نعمت الوان جنت را به سیب غبغب  
(همان: ص ۲۶)

مگو زاهد دگر افسانه از عیش نعیم خلد      تمنا بوسه ما را از آن سیب زنخداست  
(همان: ص ۴۱)

نکته جالب توجه در این ابیات آن است که خواجگی برخلاف روایات اسلامی و شاعران شعر کلاسیک فارسی، میوه ممنوعه را سیب دانسته‌است نه گندم.

از دیگر تلمیحات اشعار وی میتوان به بیت زیر اشاره کرد که در آن، در کنار مانی، به کمال‌الدین بهزاد- نقاش معاصر خویش- اشاره کرده‌است:

کجا مانی تواند بست نقش دلپذیرش را      که عاجز ماند از تصویر اینجا کلک بهزادش  
(همان: ص ۱۰۰)

#### استشهاد به آیات و احادیث:

تأثیرپذیری از قرآن کریم و احادیث نبوی در این دیوان اندک و به صورت مستقیم است. خواجگی در بیت زیر به اقتباس صریح آیه ۵۳ سوره الزمر: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» پرداخته‌است:

می پرستیم آیه لاتنقطوا در شأن ماست      زان سر دفتر به محشر نامه عصیان ماست  
(نسخه خطی دیوان خواجگی: ص ۳۹)

در ابیات زیر هم به ترتیب به آیه ۳۲ سوره زخرف و حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الافلاک» اشاره دارد:

دوعالم محشر حسن است و صدیوسف صفت هر سو      من بیدل ثناخوان رخ خورشید لولاکم  
(همان: ص ۱۱۵)

بیداد ناز حسن بود ورنه خواجگی      بخشیده روز نحن قسمنا گواه عشق  
(همان: ص ۱۰۸)

#### تضمین:

خواجگی در بیت آخر یکی از غزلهایش مصراعی از شاعری به نام «منصف» را تضمین کرده‌است:

خواجگی منصف چه نیکو گفت در انصاف جود      هرکسی افشاند دست از حاصل دنیا کس است  
(همان: ص ۵۳)

شاید مراد از منصف، غیاث‌الدین علی منصور منصف اصفهانی شاعر سده یازدهم است و یا محمد اسماعیل منصف شیرازی یا تهرانی که در سده یازدهم در ایران و هندی میزیسته‌است. متأسفانه دیوان هیچ‌کدام به دست نیامد. اگر چه خواجگی تنها در همین یک مورد از تضمین شعر بهره برده‌است اما شاید این بیت بتواند حاکی از مراودات شاعر با شاعری هم‌عصرش باشد.

۳-۲-۲- توصیف اجزای صورت به شیوه سرپاسرایان:

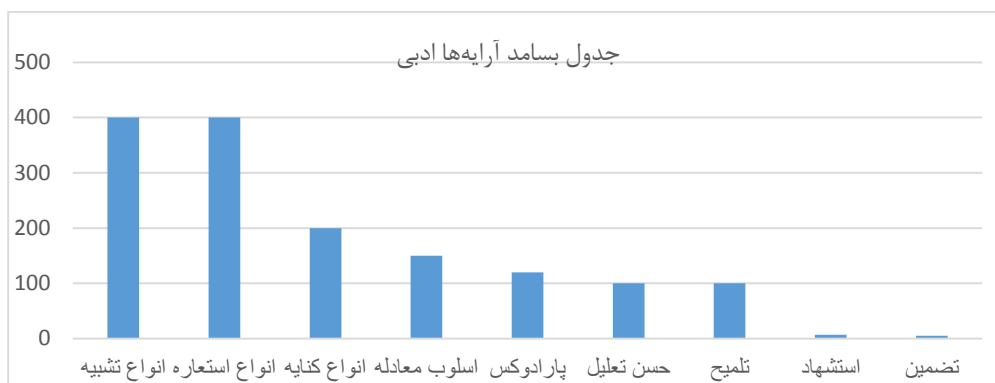
چشمست بدین فتنه بلای سیه است این      جادوست بدین سحر بگو یا نگه است این  
(همان: ص ۱۲۹)

خواجگی در یک غزل هفت بیتي با مطلع فوق، تقریباً در هر بیت به وصف یکی از بخشهای صورت پرداخته‌است و توصیفاتى در باب چشم، جبین، زلف، خال، خط، روى و عارض آورده‌است. این شیوه او یادآور «سراپا سرایی» است. سراپا اصطلاحی که از سده‌های یازدهم و دوازدهم در ادبیات فارسی بکار رفته، یکی از انواع ادبی است که در آن شاعر یا نویسنده، به کمک سنتهای ادبی و هنری، به توصیف زیباییهای سراپای معشوق میپردازد. البته خواجگی تنها به توصیف جزئیات چهره اکتفا کرده‌است.

۳-۲-۳- غزل ملمع:

شاعر یک غزل ملمع عربی- فارسی با مطلع زیر دارد که گفتگوی میان شاعر با سروش غیبی است:

دوش در گوش دلم از غیب آمد این خیال      اعتجل بالتوبه نعم العمل هذا الصواب  
(همان: ص ۲۳)



## سبک زبانی

### ویژگیهای آوایی

در این بخش، نحوه کاربرد واحدهای آوایی در یک موقعیت زبانی و نقش و کارکرد بیانی آواها و اصوات زبان بررسی میشود که شامل موارد زیر است:

(۱) موسیقی بیرونی (وزن عروضی):

اغلب اوزانی که خواجگی در غزلیات خود به کار برده‌است از اوزان پرکاربرد در سده‌های دهم و یازدهم است. در این میان، بسامد بحر هزج مثنی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)، بحر رمل مثنی (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) و بحر مضارع مثنی اخرب (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) از بحرهای دیگر بیشتر است.

(۲) موسیقی کناری (قافیه و ردیف):

در دیوان شاعر، از مجموع ۲۰۴ غزل ۱۷۲ غزل مردف است. ایجاد وحدت بین شاعر و مخاطب، افزایش موسیقی و ایجاد لذت دیداری از مزایای وجود ردیف در شعر است. (ر.ک: روحانی و عنایتی، ۱۳۹۲: ۷۵-۸۴) آمار انواع ردیف فعلی و اسمی نشان میدهد که ردیفهای فعلی با ۹۲ غزل، پرکاربردترین نوع ردیف در شعر خواجگی هستند. برخی از ردیفهای برجسته بخش غزلیات عبارتند از: آینه را، در آب، گلاب، ام کرده‌است، نرفت، هنر است، نشست، افتاده‌است، برده‌است، فتاده‌است، بس است، عبث، هیچ، قح، گستاخ، چنین باید، او آمد به یاد، پیدا کرد، میباید،

مبارک باشد، دیگر، لذیذ، مرا چکار، میاموز، بس، کرده‌ام که میرس، رقص، فیض، چه حظ، در باغ، خجل، در بغل، میپیچم، گزین، درچمن، بهتر از ین، بگریخته، سرو، نگاه، من تویی.

گاه در دیوان شاعر، مواردی از عیوب قافیه دیده می‌شود. مانند قافیه کردن شیدای، سیمای، مینای و... با جایی؛ یا قافیه کردن هوشِ مرا، لب خموشِ مرا با یک‌خروشِ مرا، می فروشِ مرا، سخت‌کوشِ مرا. در ابیات زیر هم‌قافیه شدن مست، است، دست و... با فهرست موجب عیب اقواء شده است:

|                                  |                                       |
|----------------------------------|---------------------------------------|
| زلفش ز همسریها با آن دو نرگس مست | یکسر پیاله بر کف از حلقه‌های خویش است |
| در پاس دلبریها صد عقده دید مشکل  | زلفش که ماهی دل آسان کشید در دست      |
| شیرازه بست خطش اوراق خاطر مرا    | مجموعه خیالم زان زلف بست فهرست        |

(نسخه خطی دیوان خواجگی: ص ۳۸)

دیوان خواجگی دارای ۳۶ رباعی در ۷۲ بیت است. از این تعداد ۲۶ رباعی مردّف است. از نکات جالب توجه در مورد رباعیات خواجگی، ایراد در قافیه در هشت رباعی آخر است. رباعی نوعی قالب شعری است در چهار مصراع که به جز مصراع سوم، دیگر مصراعها هم قافیه یا مُردّفند. در هشت رباعی آخر دیوان، خواجگی این قاعده را رعایت نکرده است. مصراع اول این رباعیها فاقد واژه ردیف یا قافیه است و تنها در مصراع دوم و چهارم قافیه یا ردیف ذکر شده است.

(۳) موسیقی درونی:

به ابزاری که جنبهٔ لفظی دارند و موسیقی کلام را از نظر روابط آوایی بوجود می‌آورند و یا افزون میکنند، صنعت لفظی میگویند. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۳) مهمترین موارد از این دست در دیوان خواجگی عبارتند از:

- تکرار: پرداختن به تکرار واژه، هجا، صامت یا مصوت از علاقه‌مندی‌های خواجگی است. این امر به افزایش موسیقی کلام او کمک کرده است. او گاه در یک بیت چند بار واژه‌ای را تکرار کرده است. مانند تکرار واژه‌های گل، رنگ و بو، جای و مشتقات دیدن در ابیات زیر:

|                                       |                                       |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| از گل روی تو گیرد در چمن گل رنگ‌وبو   | رنگ‌وبوی گل به گلشن محو رنگ‌وبوی تُست |
| (همان: ص ۳۸)                          |                                       |
| جایت‌ای جان و جهان خالی به چشم خواجگی | جای آن باشد که جا سازم ترا جای نگاه   |
| (همان: ص ۱۴۸)                         |                                       |
| گردیدم و ا چو دیده ندیدیم جز بلا      | ای نور دیده دیده ما را ندیدنیست       |
| (همان: ص ۴۷)                          |                                       |

در غزلی با مطلع زیر، شاعر با تکرار کلمه قافیه بر موسیقی کلام افزوده است:

|                                    |                                    |
|------------------------------------|------------------------------------|
| خوشا که تیغ بگیری عنان کشیده کشیده | کشی و زار بمیرم به خون طپیده طپیده |
| (همان: ص ۱۴۴)                      |                                    |

- تکرار یا واج آرایی حروف «الف»، «ز» و کسره در ابیات زیر:

|                                         |                                 |
|-----------------------------------------|---------------------------------|
| دوشم از ناز دم از راز نهان می زد یار    | خون دل میچکد از دست حنا بسته ما |
| (همان: ص ۱۹)                            |                                 |
| چشمِ مستِ کم نگاهِ او چه سود ار بعد مرگ | توتیا سازد غبار سرمه آسای مرا   |
| (همان: ص ۱۳)                            |                                 |

### ویژگیهای واژگانی (واژه و ترکیب)

زبان فارسی از نظر امکان ساختن ترکیبات، در ردیف نیرومندترین و با استعدادترین زبان‌هاست. این مطلب باعث شده‌است که شاعران بتوانند به راحتی ترکیب‌سازی کنند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۶۴) شاعران عصر صفوی بیش از دوره‌های قبل، میکوشیدند برای زیبایی شعر خود و جهت هنرنمایی هرچه بیشتر، الفاظ خاصی بسازند و ترکیبات تازه‌ای بیافرینند. مهمترین ویژگیهای لغوی شعر خواجگی عبارتند از:

- کاربرد واژه‌ها و ترکیبات نو و بدیع:

در شعر خواجگی گاه با کلمات کم کاربرد مانند نارنجات (=نیرنگها)، نزاکت، جواله (=آتش‌گردان)، آجیده، پرداز (=آرایش)، سپرباز (=جنگجو)، چرخ واژون (=چرخ برعکس و واژگون) و... روبرو هستیم. مانند این بیت:

ای ز نارنجات صنعت آفرینش شیوه‌ای]

بی‌وجودم رنگ ایجادی کرامت کن مرا

(نسخه خطی دیوان خواجگی، ص ۳)

و گاه با واژه‌های مختص و پرکاربرد عصر صفوی مثل آینه، خمیازه، گل حیرت، دوبالا، اشک کباب، رم چشم، حیرتگیر، حیرت پرست حسن و... .

میتوان گفت خواجگی هم از قاعده ساخت ترکیبات، پیروی کرده و سعی کرده با ساخت ترکیبات جدید یا استفاده از ترکیبات و عبارات عامیانه هنرنمایی کند. ترکیباتی مانند رقص حسرت، سبک پرواز سرعت، آتش‌بنیاد حسرت، تمنایرست، هوس‌آشیان، چمن‌آباد وصل، حسرت‌زده شوق، رنگ ز رخسار جسته، تغافل‌آشنایی، کاهل‌شعاری، زخم دل زنگیر<sup>۱</sup>، جرم‌کیشان، خوش‌نگاه، حیرت‌پرست، شکرچش، نخل گل، تارکشیدن اشک، بلدگرفتن، شاق‌بودن، طربگاه، قنداب، آتشخانه، جوش‌نگاه‌ریز، شب‌نم‌ریز، به‌چشم امتحان دیدن، ادا فهم بودن، آینه‌پرداز، خزان‌ریز، عیش‌گاه، افسوس‌خانه و... .

- کاربرد زبان عامیانه:

زرین‌کوب در خصوص این ویژگی شعر عصر صفوی چنین می‌گوید: «در شعر فارسی مخصوصاً در دوره صفویه به سبب آنکه از انحصار اهل مدرسه خارج شد و در دست بازاریان افتاد، خیاط، کفشگر، خرده‌فروش، خباز و... مملو شد از الفاظ و تعبیرات بازاری.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۵۷) بنابراین مهمترین ویژگی و خصلت شعر این دوره به خصوص در میان شاعران داخلی ایران، نزدیک شدن زبان شعر به زبان محاوره‌ای مردم بود. در شعر خواجگی، سپند دود کردن برای دفع گزند، حناکردن کف پا و نقش کف پا، جاروب کشیدن در هنگام آمدن مهمان، چراغانی کردن، باده بر خاک مرده افشاندن، افعی را به افسون رام کردن، وجود گنج در ویرانه‌ها، سمندر و حیات او در آتش، ارتباط دیوانگی با دیدن جن و پری، فال گرفتن، فرش پای انداز و... از این دست است. به عنوان مثال در بیت زیر به باور عامیانه جنزدگی و دیوانگی اشاره دارد:

خواجگی را جنون مبارک باد باز ذوق پری و شان دارد

(همان: ص ۷۵)

- کاربرد عبارتهای وصفی:

در راستای ترکیب‌سازی گاه شاعر از عبارتهای وصفی جانشین اسم نیز بهره برده‌است. مانند به غم عشق بسته (=انسان وابسته به غم عشق)، از خویش رسته (=انسان از خویش رسته)، کم نگاه، کم ناز کن به دانش (در وصف نبی اکرم (ص))، کم فخر با حسب (در وصف نبی اکرم (ص))، خوش نگاهان و... .

<sup>۱</sup> - شاید زنگیر شکل دیگری از زنگار باشد. البته در لغتنامه‌ها یافت نشد.

با صد کمند جذبه الفت به سوی خویش      نتوان کشید تار محبت گسسته را  
(همان: ۸)

### ویژگیهای نحوی و دستوری

بی‌توجهی به ساختار دستوری در دیوان خواجگی کمتر دیده می‌شود. از جمله این موارد استفاده از «که» به صورت زائد است. شاعر گاه در میان دو جمله از «که» استفاده کرده، درحالی‌که به آن نیاز نبوده‌است. شاید این مورد از زبان محاوره وارد متن اثر شده‌باشد. از جمله در این ابیات:

خوبرویان جلوه حسن ترا کآینه اند      از کمند زلفشان زنجیر الفت کن مرا  
(همان، ص ۳)

تو از یوسف نه ای کم در محبت من که از یعقوب      تو شاه حسن گردیدی و من خود را گدا کردم  
(همان: ص ۱۱۶)

این ویژگی در دیگر متون عهد صفوی هم کم و بیش دیده می‌شود. برخی نکات دستوری دیگر متن عبارتند از: حذف واو عطف در مواردی چون «دست و دل» به صورت «دست دل» یا «روز و شب» به صورت «روز شب» در بیت زیر:

مهر و مه را روز شب از پرتو حسن تو نور      از ضیای طلعت آینه دل را صفا  
(همان: ص ۲)

- استفاده متفاوت از حروف اضافه مثل استفاده از «ز» بجای «به» در بیت زیر:

ننهی از سر زانو نگذاری ز کنار      قدر در پیش تو جانا چه قدر آینه را  
(همان: ص ۹)

یا در ابیات زیر که «با» بجای «بر» یا «به» آمده است:

که بندد در کعبه با خواجگی      سبک سیر دیر و خرابات اوست  
(همان: ص ۳۲)

خواجگی صد دست رد با جام عیش      در غم او طبع ناشادم زده است  
(همان: ص ۳۹)

با توجه به تکرار اینگونه موارد در شعر خواجگی، احتمال اشتباه کاتب در خطا نوشتن حروف اضافه مذکور بعید است.

- در بیت زیر «تیغ» را بجای «تیغی» به کار برده است. شاید اشتباه از کاتب است:

به تیغ [تیغی] خواجگی را کام دل بخش      که ترسم جان به ناکامم برآید  
(همان: ص ۷۶)

- حذف واژه یا بخشی از ترکیب: به نظر می‌رسد گاهی خواجگی نتوانسته تمام کلمات و محتوای مدّ نظرش در بیان یک مضمون را در یک بیت بگنجانند بنابراین ناچار شده بخشی از بیت را حذف کند. مانند حذف «با» در «با شتاب»:

یکسو بفرن فکر غم آباد جهان را      پیمانه به کف کن گذر عمر شتابست  
(همان: ص ۵۰)

یا آوردن «گشت گل» بجای «گشت گلزار» در این بیت:

هوای گشت گلم نیست کز خیال رخت شکفته در چمن سینه صد گلستان است  
(همان: ص ۵۱)

از نکات نحوی جالب در دیوان خواجه‌ی، معطوف شدن «گذار» با «گفت» به صورت «گفت و گذار» در معنی «گفت و گو» است:

سودای زلفش دیوانه‌ام کرد با خویش دارم گفت و گذاری  
(همان: ص ۱۵۳)

### نتیجه‌گیری

دست‌نویس منحصر بفرد دیوان خواجه‌ی، به شماره دستیابی ۹۰۱۵ که بخش نسخ خطی و اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، شامل ۲۰۴ غزل و ۳۶ رباعی و در مجموع ۱۵۲۸ بیت است. محققین این دیوان را به خواجه‌ی شیرازی، متکلم برجسته عهد اکبری نسبت داده‌اند اما در متن نسخه مطلبی دال بر این انتساب وجود ندارد. از متن اشعار میتوان استنباط کرد که شاعر، در همه غزلها از تخلص «خواجه‌ی» بهره برده‌است. بجز دو غزل و ابیات پراکنده در ستایش نبی اکرم(ص) و چهار رباعی متوالی که در هریک از آنها شاعر به توصیف یکی از خلفای راشدین پرداخته‌است و از اعتقاد مذهبی(تسنن) شاعر حکایت دارد، دیوان هیچ اطلاعی از زندگی و احوال شاعر ارائه نمی‌دهد. مهمترین موضوعات دیوان شامل مفاهیم عاشقانه و عارفانه همچون عشق، وحدت وجود، تجرد از دنیا، محو و فنا و ... و اندیشه‌های خیامی است. با توجه به نگرش عرفانی شاعر، بی‌توجهی او به دربار شاهان و عقاید مذهبی او شاید بتوان احتمال داد که صاحب دیوان مذکور شخصی جدا از خواجه‌ی شیرازی متکلم باشد. باوجود بهره‌گیری شاعر از لغات و ترکیبات عامیانه، ترکیبات جدید و ابتکاری، تصاویر مینیاتوری و جزئی و دیگر خصائص سبک هندی، شعر او را نمیتوان نمونه‌ی اعلای سبک هندی دانست. اغلب غزلیات او حدّ وسط سبک عراقی و هندی است.

### تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میدانم مراتب سپاسگزاری خود را از آقای دکتر امید مجد مسئول مجله بهار ادب و اساتید فرهیخته‌ی نشریه‌ی وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

### عدم تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه‌ی داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده‌ی نویسنده‌ی مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

### REFERENCES:

- Holy Quran
- Agha Bozur Tehrani, Mohammad Mohsen (2024), Al-Dhari'a al-Tsanif Al-Shia, Vol. 20, Beirut: Third Edition, Dar Al-Azwa, p. 146.
- Aghamiri, Amir Hoshang (2008), Islamic arrays and motifs in the art of gilding and carpet design, Tehran: 2nd edition, Yesavali, p. 110.
- Burkhart, Titus (1997), Sacred Art (Principles and Methods), translated by Jalal Sattari, Soroush Publications, p.68.

- Hasheli, Parviz, Ghazizadeh, Khashayar and Afshari, Morteza (2023), "Analysis of performance methods in the poems of Khamse Tehamasbi (second school of Tabriz)", *Negre Scientific Quarterly*, No. 66, pages 211 to 227.
- Hafez Shirazi, Shams al-Din Mohammad (1994), *Diwan*, based on the Ghani and Qazvini version, Nazm Publications, pp. 242, 253 and 360.
- Hassan Khan Bahadur, Seyyed Mohammad Sadiq (2007), *Tazkere Shama Anjuman*, correction and annotations by Dr. Mohammad Kazem Kahdooi, Yazd University Publications, 363.
- Hasanpour Alashti, Hossein (2005), *Fresh Style, Stylistics of Indian Style Ghazal*, Tehran: Sokhn, 85.
- Khajagi Shirazi, Mohammad bin Ahmad (1996), *al-Nazamiyyah fi Madhhab Al-Amamiyyah*, Tehran: Written Heritage, 70.
- Khawajgi, Mohammad bin Ahmad, manuscript with reference number M 9015 and record identifier 2379, Manuscripts Department of the Central Library of Tehran University.
- Khayampour, Abdul Rasool (1989), *Sokhnoran Culture*, Talaiye Publications.
- Drait, Mustafa, *List of Manuscripts of Iran (Fankha)*, Tehran: Organization of Records and National Library of the Islamic Republic of Iran, 2018.
- Razi, Amin Ahmed (2010), *Seven Regions, Volume I*, corrections and notes and margins by Seyyed Mohammad Reza Taheri Hasrat, 249.
- Rouhani, Masoud and Mohammad Enayati Qadiklai (2012), "Looking at the line and its functions in Khaqani poetry", *Literary Techniques*, Isfahan University, 5th year, number 2 (9 consecutive), autumn and winter, pp. 67-88
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (2018), *The Poet of Mirrors*, 11th edition, Nashrahage, pp. 45-54 and 64.
- Sahranoord, Nasser and Alikhanpour, Mohsen (2019), "Theological Methodology of Muhammad Ibn Ahmad Khawajgi Shirazi", *Islamic Theology Quarterly*, Year 29, Number 116, Pages 124-91.
- Azimi, Habibullah (2010), *The principles and basics of bibliography in Iranian books*, Tehran: Organization of Records and National Library of Iran, p. 35.
- Kaden, J. A. (2001), *Culture of Literature and Literary Criticism*, translated by Kazem Firouzmand, Tehran: Shadgan, p. 246
- Golchin Maani, Ahmad (1990), *Caravan of India*, Vol. 1, Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute, pp. 386-387.
- Mile Harvi, Najib (1990), *Criticism and correction of texts, orthographic steps and methods of correction of Persian manuscripts*, Mashhad: Astan Quds Razavi, Research Foundation Islamic, pp. 120, 121-122.
- Musaheb, Gholamhossein (2008), *Musaheb Persian encyclopedia*, Tehran: Amirkabir, p.576.
- Fafadar Moradi, Mohammad (2000), *an introduction to the principles and rules of cataloging in manuscripts*, Tehran: Library, Museum and Document Center of the Islamic Council, Manuscripts Seminar Secretariat, P. 7

## فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۰، بیروت: چاپ سوم، دارالاضواء، ص ۱۴۶.  
آقامیری، امیر هوشنگ (۱۳۸۷)، *آرایه‌ها و نقوش اسلیمی در هنر تذهیب و طراحی فرش*، تهران: چاپ دوم، یساولی، ص ۱۱۰.

بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۶)، *هنر مقدس (اصول و روشها)*، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، ص ۶۸.  
حاصلی، پرویز، قاضی زاده، خشایار و افشاری، مرتضی (۱۴۰۲)، «تحلیل شیوه‌های اجرا در تشعیرهای خمسه تهماسبی (مکتب دوم تبریز)»، *فصلنامه علمی نگره*، شماره ۶۶، صفحات ۲۱۱ تا ۲۲۷.  
حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۷۳)، *دیوان*، از روی نسخه غنی و قزوینی، انتشارات نظم، صص ۲۴۲، ۲۵۳ و ۳۶۰.

حسن خان بهادر، سید محمد صدیق (۱۳۸۶)، *تذکره شمع انجمن*، تصحیح و تعلیقات دکتر محمد کاظم کهدویی، انتشارات دانشگاه یزد، ص ۳۶۳.

حسن‌پور آلاشتی، حسین (۱۳۸۴)، *طرز تازه، سبک شناسی غزل سبک هندی*، تهران: سخن، ص ۸۵.  
حیدری، فاطمه (۱۳۹۹)، «رویکردهای متفاوت نسبت به شطح‌گویی و انواع درون‌مایه شطحات»، *پژوهشنامه عرفان*، شماره ۱۱ (۲): صص ۸۸-۶۱.

خواجه‌ی شیرازی، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، *النظامیه فی مذهب الامامیه*، تهران: میراث مکتوب، ص ۷۰.  
خواجه‌ی، محمد بن احمد، نسخه خطی به شماره راهنما M ۹۰۱۵ و شناسگر رکورد ۲۳۷۹، بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

خیامپور، عبدالرسول (۱۳۶۸)، *فرهنگ سخنوران*، انتشارات طلایه.

درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.

رازی، امین احمد (۱۳۸۹)، *هفت اقلیم*، ج اول، تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری حسرت، ص ۲۴۹.

روحانی، مسعود و محمد عنایتی قادیکلایی (۱۳۹۲)، «نگاهی به ردیف و کارکردهای آن در شعر خاقانی»، *فنون ادبی*، دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۹)، پاییز و زمستان، صص ۶۷-۸۸.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، *شعر بی دروغ شعر بی نقاب*، تهران: سخن، ص ۵۷.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۸)، *شاعر آینه‌ها*، چاپ یازدهم، نشر آگه، صص ۴۵-۵۴ و ۶۴.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، *بدیع، میترا*، ص ۱۳۸۶.

صحرانورد، ناصر و علیخان پور، محسن (۱۳۹۹)، «روش شناسی کلامی محمد بن احمد خواجه‌ی شیرازی»، *فصلنامه کلام/اسلامی*، سال ۲۹، شماره ۱۱۶، صفحات ۹۱-۱۲۴.

عظیمی، حبیب الله (۱۳۸۹)، *اصول و مبانی نسخه شناسی در کتب ایران*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ص ۳۵.

کادن، جی. ای. (۱۳۸۰)، *فرهنگ ادبیات و نقد ادبی*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: شادگان، ص ۲۴۶.

گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹)، *کاروان هند*، ج اول، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، صص ۳۸۶-۳۸۷.

مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، نقد و تصحیح متون، مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ص ۱۲۰، ۱۲۱-۱۲۲.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۷)، دایره‌المعارف فارسی مصاحب، تهران: امیرکبیر، ص ۵۷۶.

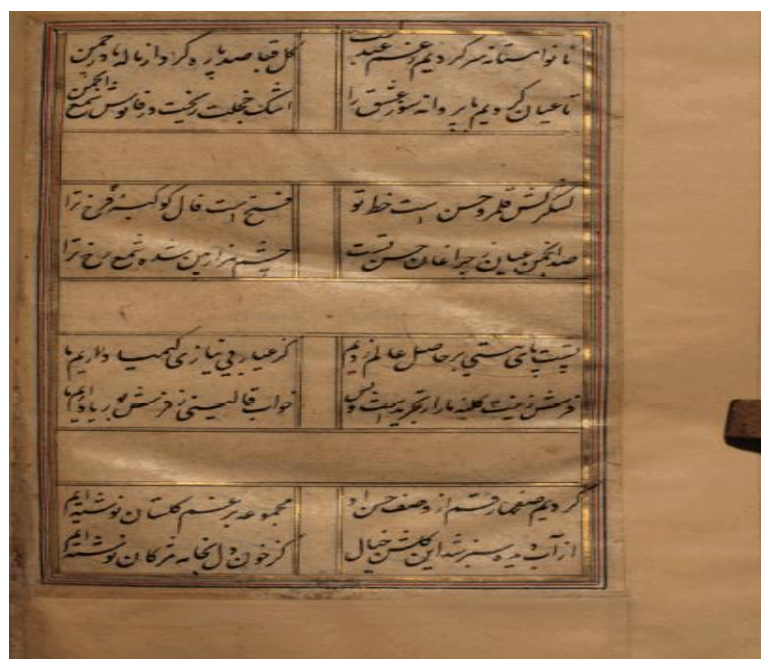
وفادار مرادی، محمد (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر اصول و قواعد فهرست نگاری در کتب خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دبیرخانه سمینار نسخه‌های خطی، ص ۷۵.



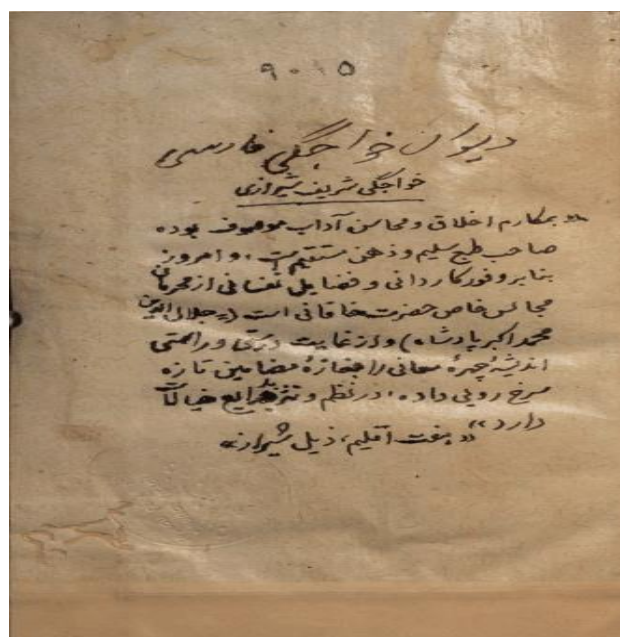
پیوست (۱) برگ اول نسخه خطی دیوان خواجگی



پیوست (۲) مهرهای موجود در نسخه (قمرالدوله - ۱۱۹۳)



پیوست (۳) برگ آخر نسخه خطی دیوان خواجگی



پیوست (۴) نقل قول شرح احوال خواجگی پیش از صفحه سرلوح

#### معرفی نویسندگان

احترام رضایی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: [e.rezaee@pnu.ac.ir](mailto:e.rezaee@pnu.ac.ir))

(ORCID: [0000-0002-0312-7942](https://orcid.org/0000-0002-0312-7942))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Ehteral Rezaei:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: [e.rezaee@pnu.ac.ir](mailto:e.rezaee@pnu.ac.ir))

(ORCID: [0000-0002-0312-7942](https://orcid.org/0000-0002-0312-7942))